



دائرة المعارف آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه دایرةالمعارف

آرامگاه خواجه ربیع، بنایی تاریخی در بخش شمال غربی شهر مشهد. این آرامگاه منسوب به ربیع بن خُثَیم بن عائذ بن عبدالله التمیمی، معروف به خواجه ربیع از بزرگان تابعین و پارسایان معروف صدر اسلام است (الامین، ۴۵۳/۶؛ سمعانی، ۵۱۷/۱).

نمای بیرونی بنا، هشت ضلعی و متشکل از چهار ضلع اصلی و فرعی است، که به آن هشت و نیم‌هشت گفته می‌شود. چهار ایوان

و چهار مدخل ورودی بر روی اضلاع اصلی بنا قرار گرفته است (حسینی، ۱۹).

این بنا با مساحت ۶۶۴/۶۸ متر مربع در وسط باغی قرار دارد که در حال حاضر کاربری قبرستان دارد. مساحت محوطه آن ۵۱۵۳۵ متر مربع است. در اطراف محوطه تعدادی غرفه و اتاق و در اضلاع شرقی و غربی محوطه، شش ایوان وجود دارد که ایوان میانی ضلع شرقی به عنوان پیش‌طاق ورودی نیز مورد استفاده است. ایوان ورودی اصلی در ضلع جنوبی محوطه در اوایل دهه ۱۳۶۰ ش به جای ایوان ورودی قدیمی ساخته شده است (همو، ۱۹ و ۳۸).

در چهار گوشه مقبره، هشت حجره دو طبقه قرار دارد. کنج‌های نیم‌هشت بنا دارای غرفه‌های دو طبقه است که غرفه‌های فوقانی نقش ارتباط‌دهنده حجره‌های طبقه بالا را نیز برعهده دارند. برای رفتن به طبقه دوم و بام در بخش جنوب شرقی و شمال غربی دو ردیف پله ساخته شده است (همو، ۴۴).

نقشه گنبدخانه به شکل چلیپایی شکسته و گنبد بنا به شکل دوپوسته گسسته است که گوشه‌سازی آن با سه کنج و کاربندی انجام شده است. ارتفاع گنبد داخلی ۱۳/۲۰ متر، ارتفاع گنبد بیرونی ۲۹/۹۰ متر و قطر گنبد ۱۴/۷۰ متر است (همو، ۳۹).

تزیینات بنا شامل کاشی‌های معرق، هفت‌رنگ، زیررنگی و معقلی است. پوسته بیرونی گنبد با کاشی نره لاجوردی و گردنی گنبد با پنج نوار کاشی تزیین شده است. داخل گنبد نیز با نقاشی بر روی گچ به رنگ‌های طلایی، قرمز، لاجوردی و سیاه زینت یافته است (همو، ۳۹ و ۵۳). نقش‌مایه این تزیینات شامل اسلیمی، گره، کتیبه‌های خط ثلث و خط بنّایی (معقلی) است. برخی نقش‌های شاخص نیز، چون نقش سه اژدها در کاشی‌کاری ایوان غربی و نقش طاووس در نقاشی‌های داخل گنبدخانه به چشم می‌خورد (همو، ۶۲).

این آرامگاه دارای سه کتیبه مهم تاریخ‌دار بوده که در حال حاضر دو کتیبه آن موجود است. نخست، کتیبه‌ای است از کاشی معرق به خط ثلث سفید بر زمینه لاجوردی که بخش فوقانی گردنی گنبد را دور می‌زند و در آن به تاریخ اتمام بنای آرامگاه (۱۰۲۴ق) و بانی آن، شاه‌عباس اول اشاره شده است. دوم، کتیبه گچبری داخلی گنبدخانه به خط علی‌رضا عباسی که تاریخ اتمام تزیینات آرامگاه را در ۱۰۲۶ق نشان می‌دهد (همو، ۷۲-۸۰). کتیبه سوم که اکنون وجود ندارد، کتیبه‌ای سنگی به تاریخ ۱۰۳۱ق بوده که بر روی ایوان ورودی قدیمی محوطه قرار

داشته و ساخت آن را به میرزاالغ، نقیب سادات رضوی نسبت داده‌اند (رضوی، ۲۲۸؛ بیت، ۳۱۳).

هر چند بنای آرامگاه خواجه ربیع به سال ۱۰۲۴ق ساخته شده، ولی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این تاریخ مربوط به تجدید بنای آرامگاه بوده (اسکندر منشی، ۱۴۰۹/۲) و قبل از این دوران نیز بنایی بر روی این مزار وجود داشته‌است (خنجی، ۳۲۹-۳۳۹).

در دوران قاجار برخی جهانگردان اروپایی و بعضی رجال قاجاری چون فریزر^۱ (۵۲۰-۵۲۱)، خانیکف^۲ (۱۲۰)، ناصرالدین‌شاه قاجار (حکیم‌الممالک، ۲۴۸)، شیندلر^۳ (۲۰۲)، مک‌گرگر^۴ (۴۵/۲)، اعتمادالسلطنه (۵۵۹/۱)، ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۵۴)، بیت^۵ (۳۱۳) و دالمانی (۱۵۸/۲-۱۶۲) به ترتیب در سال‌های ۱۲۳۷، ۱۲۷۵، ۱۲۸۶، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۳۰۰، ۱۳۰۰، ۱۳۱۵-۱۳۱۱ و ۱۳۲۵ق در

1- J. B. Fraser

2- Khanikoff

3- Schindler

4- Mac Gregor

5- Yate

سفرنامه‌های خود آرامگاه خواجه ربیع را توصیف کرده‌اند.

اراضی مزرعه حسین آباد که آرامگاه خواجه ربیع در آن واقع است، زمانی بر مبنای وقف‌نامه مدرسه پریزاد مشهد در شمار موقوفات این مدرسه قلمداد می‌شد، ولی با اثبات جعلی بودن وقف‌نامه، و حکم دادگاه، از سال ۱۳۱۷ق به تصرف آستان قدس رضوی درآمد (مولوی، ۱/۳۵-۳۸).

منابع: الامین، سیدمحسن، اعیان‌الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ اداره اوقاف خراسان، وقف‌نامه مدرسه پریزاد؛ اسکندر منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، مطلع‌الشمس، به اهتمام تیمور برهان لیموده‌ی، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ پاپلی یزدی، محمدحسین و همکاران، فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸ش؛ حسینی، سیدمحسن، خواجه ربیع، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، مشهد، ۱۳۸۱ش؛ حکیم‌الممالک، علی‌تقی، روزنامه سفر خراسان، فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۵۶ش؛ خنجی، فضل‌الله روزبهان، مهمان‌نامه بخارا، به

اهتمام منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵ش؛ خانیکف، نیکلای ولادیمیرویچ، سفرنامه خانیکف، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۵ش؛ دالمانی، هانری‌رنه، از خراسان تا بختاری، ترجمه غلام‌رضا سمیعی، نشر طاووس، تهران، ۱۳۷۸ش؛ رضوی، محمدباقر، شجره طیبه، تصحیح و تکمله سیدمحمدتقی مدرس رضوی، چاپخانه حیدری، ۱۳۵۲ش؛ سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، الانساب، تقدیم و تعلیق عبدالله عمر البارودی، دارالجنان، بیروت، ۱۹۸۸م؛ شیندلر، هوتوم، سفرنامه خراسان، به کوشش قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، توس، تهران، ۱۳۵۶ش؛ مک‌گریگر، سی. ام، شرح سفری به ایالت خراسان، ترجمه اسدالله توکلی طبسی، معاونت فرهنگی آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۸ش؛ عبدالحمید، پیش‌نویس فهرست موقوفات آستان قدس، نسخه تایپی دفتر کل موقوفات آستان قدس رضوی؛ ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه خراسان، چاپ سنگی؛ بیت، چارلز ادوارد، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری، یزدان، تهران، ۱۳۶۵ش.

Fraser. James, Narrative of a journey in Khorasan in the years 1821, Oxford

University press, Delhi, 1984.

/سید محسن حسینی/

آقازاده خراسانی، میرزامحمد (نجف ۱۲۵۶ش - تهران ۱۳۱۶ش)، مدرس حوزه مشهد، از امنای آستان قدس، مؤثر در واقعه مسجد گوهرشاد. وی پسر آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) و معروف به آیت‌الله‌زاده و آقازاده نجفی بود. علوم دینی را در زادگاه خود، نزد پدر آموخت و از وی درجه اجتهاد دریافت کرد (۱۳۲۵ق). در همین سال به دستور پدر به ایران آمد و در مشهد اقامت گزید و در مسجد گوهرشاد حوزه درس تشکیل داد. وی سال‌ها ریاست حوزه علمیه مشهد را بر عهده داشت (شریف رازی، ۷۰۸/۱). او در برقراری و تقویت مشروطیت با پدر خود همکاری کرد و پس از وی نیز از هواداران جدی حکومت مشروطه بود (رائین، ۵۹). در ۱۳ دی ماه ۱۲۸۷ش/۱۳۲۶ق رهبری قیام مردم مشهد را برای بازگشایی مجلس شورای ملی و احیای مشروطه برعهده گرفت (جلالی، ۱۸). در عین حال با کجروی‌های دولت مشروطه مانند استقراض از بیگانگان مخالفت می‌ورزید (مرسلوند، ۴۴-۴۵).

آقازاده در خراسان مرجعیت تام و نفوذ سیاسی و اجتماعی بسیار داشت، چنان‌که پس از مرگ شاهزاده شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا (۱۳۳۶ق) چون بر سر منبر از آخوند خراسانی بدگویی کرده بود، نگذاشت جسد او را به مشهد بیاورند (بامداد، ۴۲/۱). همچنین در سال ۱۳۰۰ش، اسماعیل خان یاور، یکی از افسران همدوش کلنل پسیان که در خانه آقازاده متحصن شده بود، با وساطت او از ایران بیرون رفت (مدنی، ۸۹).

آقازاده در بسیاری از فعالیت‌های آستان قدس از نفوذ و تأثیری بسزا برخوردار بود. در ۱۳۰۶ش به دستور اسدی، چند تن از علما و اعضای آستان قدس پس از مطالعه وقفنامه‌ها، سیاهه‌ای از آنها را در کتابچه ویژه‌ای (کتابچه محمدولی خان اسدی) ثبت و ضبط کردند و آقازاده بر پای برگ‌های آن مهر و امضا نهاد (مؤتمن، ۶۰۹، ۶۱۰). همچنین وی یکی از چند عالمی بود که اسدی در ۱۳۱۱ش زیر نظر ایشان صندوق عباسی فرسوده را برچید (ضریح مطهر) و شمش‌های به دست آمده را در صندوق‌های آهنین نهاد و مهر کرد (احتشام کاویانیان، ۳۶).

آقازاده در ۱۳۰۴ش از سبزواری به عنوان

نماینده دوره اول مجلس مؤسسان برگزیده شد و در مراسم تاجگذاری رضاشاه در کاخ گلستان حضور یافت (اردیبهشت ۱۳۰۵ ش). اما بعد، با بیان مطالبی ناموافق، توجه شاه را از دست داد. با مطرح شدن مسأله تغییر لباس مردان و کشف حجاب زنان، آشکارا با سیاست رضاشاه به مخالفت برخاست و به اعتقاد گروهی، از عوامل فعال و مؤثر بروز واقعه مسجد گوهرشاد شناخته شده است (رائین، ۱۷۳)، به همین اتهام در ۲۲ تیر ۱۳۱۴ توسط سرهنگ نوایی و به اشاره پاکروان بازداشت و در ۱۸ مرداد همان سال به یزد تبعید شد، اما پس از ۴ ماه او را به زندان مشهد بازگرداندند. پس از چندی به تهران منتقل و به اعدام محکوم شد، ولی به سبب نفوذی که در حوزه علمیه نجف داشت و نیز تلاش برادرش، میرزا مهدی آیت‌الله‌زاده و گروهی دیگر از روحانیان و تلگراف آنان به شاه، این حکم لغو گردید. دیوان ارکان حرب (دادگاه نظامی) در محاکمه دوباره وی، او را به اقامت اجباری در تهران محکوم کرد و تحت نظر قرار داد. آقازاده دو سال پس از واقعه گوهرشاد با تزریق آمپول هوا به دست پزشک احمدی به شهادت رسید (واحد، ۷۶-۷۷؛ مجید کفائی، ۴۱۲ و ۴۱۵؛ مرسلوند، ۴۷). پیکرش

در حرم عبدالعظیم به خاک سپرده شد و نخستین مراسم سوگواری او، پس از شهریور ۱۳۲۰ در مسجد گوهرشاد برگزار گردید. از آثار آقازاده خراسانی می‌توان به القضاة و الشهادات، مبحث الفاظ و حاشیه‌ای بر کتاب کفایة الاصول آخوند خراسانی اشاره کرد (مرسلوند، ۴۶/۱).

منابع: احتشام کاویانیان، محمد، شمس‌الشموس، اداره کل فرهنگ و هنر خراسان، مشهد ۱۳۵۴ ش؛ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، زوار، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ جلالی، غلامرضا، تقویم تاریخ خراسان، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ رائین، اسماعیل، واقعه گوهرشاد به روایتی دیگر، به کوشش سیمارائین، نشر رائین، تهران، ۱۳۷۹؛ مجید کفائی، عبدالحسین، مرگی در نور، گلشن، تهران، ۱۳۵۹ ش؛ مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ مرسلوند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، الهام، تهران، ۱۳۷۴ ش؛ مؤتمن، علی، تاریخ آستان قدس رضوی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ واحد، سینا، قیام گوهرشاد، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱ ش.

/ میترا قاسمی /

الله وردی خان (؟ - اصفهان ۱۰۲۲ق)، سپهسالار ایران و حاکم فارس در عهد شاه عباس اول صفوی (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ق)، سازنده گنبد الله وردی خان و مدفون در حرم. او از ارامنه گرجستان بود و پس از این که چند بار در جوانی به عنوان برده فروخته شد، در زمره غلامان شاه طهماسب اول درآمد و به اسلام گروید (فلسفی، ۴۲۹). با فوت شاه طهماسب به خدمت حمزه میرزا رفت و پس از قتل او (۹۹۴ق) به طرفداری شاه عباس اول برخاست و مقام زرگرباشی یافت. اندکی بعد از معتمدان ویژه شاه گردید و او را در محدود کردن قدرت قزلباش‌ها یاری داد (سمیعی، ۸۲/۱۰). چون مردی جسور، صاحب نظر و فداکار بود، به مقام خانی رسید و منصب قوللرآقاسی (فرماندهی غلامان خاصه شاه) را از آن خود کرد (حسینی، ۷۱۶). در ۱۰۰۱ق در رأس نیروی تازه‌ای که شاه جوان برای رویارویی با قزلباش‌ها و دسیسه‌های داخلی و خارجی تأسیس کرده بود، شهر نیشابور را از ازبک‌ها پس گرفت (سمیعی، همان جا). به سال ۱۰۰۴ در منصب امیرالامرای فارس (اسکندریگ، ۸۱۶؛ منجم یزدی، ۱۵۰) شیراز را مقر حکومت خود قرارداد و به نظم امور آن سامان پرداخت، سپس لار را هم به قلمرو

خود افزود (منجم یزدی، ۱۵۰). شاه عباس در ۱۰۰۵ق حکومت کهگیلویه را هم به وی داد و سرکوبی قبایل آن منطقه را از او خواست. الله وردی خان پس از انجام مأموریت مورد التفات شاه قرار گرفت (اسکندریگ، ۸۳۴-۸۳۵؛ حسینی، ۷۳۲). در ۱۰۰۶ق اتابک شورش لریستان را دستگیر کرد و کشت (سمیعی، ۸۳/۱۰). در جنگ شاه عباس با ازبک‌ها برای فتح هرات دلاوری‌ها نشان داد (اسکندریگ، ۹۰۵-۹۱۴) و در ۱۰۰۷ق به اشاره شاه، فرهادخان قرمانلو، از سرداران برجسته و قدرتمند قزلباش را به سبب کوتاهی در جنگ با ازبک‌ها به قتل رساند (حسینی ۷۴۶؛ اسکندریگ، ۹۲۵؛ منجم یزدی، ۱۷۲-۱۷۴). در همان سال از فرصت ورود برادران شرلی به ایران برای آموزش و تربیت سپاه ایران سود جست و یکی از اعضای هیأت انگلیسی را به ریختن توپ‌های سنگین و آموزش این فن به ایرانیان واداشت (نوابی، ۲۱۳/۱؛ مهמיד، ۸۵).

الله وردی خان با در اختیار داشتن سی هزار سوار مجهز، تحت امر شاه لشکرکشی‌های زیادی انجام داد (فلسفی، ۴۳۰). از جمله حاکم شورش لار را سرکوب و آن‌جا را که مرکز تجاری مهمی بود

تصرف کرد (منجم یزدی، ۲۱۳)، سپس با پرتغالی‌ها به نبرد پرداخت و با همکاری پسرش امام‌قلی بندر گمبرون (بندرعباس) و بحرین را از چنگ آنان بیرون آورد (اسکندر بیگ، ۹۹۰-۹۹۱؛ منجم یزدی، ۲۱۴-۲۱۵؛ سمیعی، همان‌جا) و بدین ترتیب همه نواحی جنوبی ایران تحت حاکمیت او درآمد. در ۱۰۱۱ق بغداد را محاصره کرد، اما به فرمان شاه عباس که با عثمانی‌ها می‌جنگید، دست از محاصره کشید و به کمک شاه شتافت (اسکندربیگ، ۱۰۵۱-۱۰۵۴). در سال ۱۰۱۴ به سپهسالاری کل سپاه ایران برگزیده شد و تا پایان عمر در این مقام بود. در همان سال و سال بعد نیروهای عثمانی را در نبردهای پیاپی شکست داد و گنجه را گرفت. نیروهای وی در فتح شماخی نیز نقش اساسی داشتند (اسکندر بیگ، ۱۱۲۷-۱۲۰۰؛ منجم یزدی، ۲۸۰).

الله وردی خان سرانجام پس از عمری تکاپو درحالی که برای استقبال شاه‌عباس از شیراز به اصفهان رفته بود، در روز دوشنبه چهاردهم ربیع الثانی ۱۰۲۲ق درگذشت. شاه‌عباس به نشانه احترام و سپاسگزاری از او، با بزرگان کشوری و لشکری در مراسم تکفین و تغسیل وی شرکت جست و جنازه

او را با احترام بسیار به مشهد فرستاد تا در بنایی که الله‌وردی‌خان برای خود در حرم ساخته بود به خاک سپارند (اسکندربیگ، ۱۴۳۸). هزینه خاک‌سپاری او را نیز شاه پرداخت (فلسفی، ۴۳۰).

از او دو پسر به نام‌های امام‌قلی‌خان و داودخان باقی ماند. اولی که حاکم لار و امیر دیوان بود، در روز مرگ پدر از سوی شاه به امیرالامرای فارس برگزیده شد و دومی به امیرالامری قراباغ و ریاست ایل قاجار رسید (اسکندربیگ، ۱۴۳۱ و ۱۴۳۸؛ فیگوروا، ۱۵۵).

الله وردی‌خان درشکوه وحشمت و داد و دهش از بقیه سرداران شاه عباس برتر بود (اسکندربیگ، ۱۴۳۹). وی علاوه بر اقدامات نظامی، بناها و باغ‌هایی به ویژه در استان فارس از خود به یادگار گذاشت. سیلوا فیگوروا که پس از مرگ او، در ایام حکومت پسرش امام‌قلی‌خان از شیراز عبور کرده، به توصیف آنها پرداخته است و به هنگام یاد کردن از پل‌ها و کاروانسراها و کاخ‌های باشکوه می‌نویسد: «بانی این پل‌ها الله‌وردی‌خان است، چنان‌که هر چیز خوب و عظیم دیگر که در سراسر ایالت فارس ایجاد گردیده است، مرهون خدمات این مرد بزرگ است» (فیگوروا، ۱۶۷). از مهم‌ترین

بناهایی که از او به یادگار مانده است می‌توان به گنبد الله‌وردی‌خان (اعتمادالسلطنه، ۳۹۲/۱)، پل الله‌وردی‌خان (پورنادری، ۸۳/۱۰؛ منخلصی، ۶۴)، بازار لار (فیگوروا، ۸۸) و مدرسه خان شیراز (واله قزوینی، ۳۶۶) اشاره کرد.

وی همچنین موقوفاتی شامل یک کاروانسرا و چند مغازه در مشهد و یک رشته قنات و چند مزرعه بر فقرای مجاورین و زوار حرم مطهر رضوی (۹۹۶ق) وقف کرده است (وقفنامه الله‌وردی‌خان).

منابع: آستان‌قدس رضوی دیروز و امروز، آستان‌قدس رضوی، مشهد، ۱۳۵۶ش؛ اسکندریگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷ش؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، مطلع‌الشمس: تاریخ ارض اقدس، به کوشش تیمور برهان لیمودهی، فرهنگ‌سرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ پورنادری، حسین، «الله‌وردی‌خان، پل»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش؛ حسینی جنابدی، میرزا بیگ حسن، روضة‌الصفویه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، بنیاد موقوفات افشار، تهران، ۱۳۷۸ش؛ سمیعی، بصیر، «الله

وردی‌خان»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش؛ سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸ش؛ فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه‌عباس اول، علمی، تهران، ۱۳۷۵ش؛ فیگوروا، دن گارسیا دسلوا، فیگوروا، ترجمه علیرضا سمیعی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳ش؛ منجم یزدی، محمد، تاریخ عباسی، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، وحید، تهران، ۱۳۶۶ش؛ مهمید، محمد علی، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران، میترا، تهران، ۱۳۶۱ش؛ منخلصی، محمد علی، پل‌های قدیمی ایران، میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۹ش؛ نوایی، عبدالحسین، ایران و جهان، هما، تهران، ۱۳۷۷ش؛ واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، تصحیح محمد رضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ش.

/رجبعلی یحیایی/

بهشت ثامن‌الائمه (۱)، قبرستان زیر صحن آزادی، در شرق بارگاه رضوی. کار ساخت بهشت ثامن (۱) که به واسطه مجاورت با مرقد مطهر امام هشتم (ع)، چنین نامیده شده‌است، از سال ۱۳۵۴ش آغاز و با پیروزی انقلاب اسلامی به دستور تولیت عظمای آستان‌قدس رضوی، تکمیل شد.

این مکان، دارای دو ورودی، به قرینه حجره چهارم، در دو طرف ایوان شرقی صحن آزادی است که ورودی شمال شرقی قدیمی تر است (عرفانیان). طول ورودی‌ها ۱۱ متر و ارتفاع آنها متغیر است. دیوارها تا ارتفاع ۱/۴۰ متر با سنگ مرمر و ادامه آن تا زیر سقف، با گچ پوشانده شده و با رنگ سبز پسته‌ای تزئین یافته است. راهرو شمال شرقی با دو متر عرض و ۱۲ پله به پاگرد منتهی می‌شود و از آنجا تا ابتدای ورودی محوطه شیب‌دار است. راهرو جنوب شرقی با ۱/۵ متر عرض و ۷ پله به پاگرد می‌رسد و با طی ۸ پله دیگر با شیبی ملایم، وارد محوطه می‌گردد (پیمایش).

مساحت بهشت ثامن (۱) با ابعاد ۵۱×۸۳، ۴۲۳۳ متر مربع است. برای مقاوم‌سازی سقف، در هر چهار متر، یک ستون قرار دارد. فضای میان هر چهار ستون را که معمولاً مربع است، یک بلوک تشکیل می‌دهد و تاکنون ۱۵۶ بلوک آن شماره‌گذاری شده است (معاونت فنی، نقشه). ارتفاع بهشت ثامن از بلوک اول تا ۱۰۱ (ردیف دهم)، به جز سه بلوک (۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷)، ۲/۴۰ متر است.

به جز تعدادی از بلوک‌های کنار دیوار شمالی که به دلیل پیشروی در زیر دیوار، ۴۲

سرداب دارد، بقیه بلوک‌ها دارای ۳۶ سرداب در سه طبقه است (معاونت فنی، پلان...). کف بهشت ثامن با سنگ قبرهای مدفونین مفروش گردیده است و اندک قبرهای باقی‌مانده، مخصوص خادمان بارگاه رضوی است (دفتر امور دفن). دیوارها با آجر و سیمان، و ستون‌ها و سقف با بتن مسلح ساخته شده است. نمای دیوارها، ستون‌ها و سقف با کینتکس سفید که در روشنایی مکان نیز مؤثر است پوشانده شده و تنها زیر حوض صحن آزادی، که سقف کاذب دارد با ورق‌های فلزی سفید رنگ (دامپا) تزئین شده است (پیمایش).

برای آن که بتوان از فضای زیر حوض استفاده کرد، از سال ۱۳۶۷ ش دستور مهار حوض به معاونت فنی آستان قدس داده شد و در نهایت با ۲۴ ستون گرد، مقاوم‌سازی شد (معاونت فنی، سند ۱۸۰/۱۰۲۳). زیر حوض صحن آزادی به صورت پلکانی است و ارتفاع آن با ۵ پله به سمت پایین افزایش می‌یابد و به ۳ متر می‌رسد که این ارتفاع تا آخرین بلوک (بلوک ۱۵۶) ادامه دارد (پیمایش).

فاز نهایی ساخت بهشت ثامن (۱) با ۶۰ بلوک در حال تکمیل است. سطح این بلوک‌ها با دو ردیف پله در انتهای شمال و

جنوب بهشت ثامن، ۳ متر پایین تر از سطح سایر قسمت‌هاست. ستون‌های این فاز به صورت هشت ضلعی ساخته شده و با بهره‌برداری از این قسمت، زیر صحن آزادی به صورت کامل مورد استفاده قرار می‌گیرد (پیمایش).

منابع: اخوان مهدوی، علی، پیمایش، ۱۳۸۳ ش؛ عرفانیان، حسن (مسئول ساختمانی بیوتات متبرکه)، مصاحبه، ۱۸ شهریور ۱۳۸۳؛ دفتر امور دفن، مصاحبه، ۱۵ خرداد ۱۳۸۳؛ معاونت فنی آستان‌قدس رضوی، بایگانی راکد، پرونده ۱۴۵۹۰۵، سند شمه $\frac{۱۸۰/۱۰۱۲۳}{۶۷/۸/۸}$ ؛ همان، پلان قسمتی از سرداب سازی‌های زیر صحن آزادی، همان، نقشه زیر صحن آزادی.

/علی اخوان مهدوی/

پرورشگاه آستان‌قدس، محل نگهداری کودکان بی‌سرپرست. در دوره قاجار مکانی با نام دارالرضاعه برای نگهداری و شیردادن به اطفال بی‌سرپرست در دارالشفای آستان‌قدس وجود داشت که برخی موقوفات اختصاصی مبین آن است (مولوی، ۹۳/۱)؛ اما پرورشگاه به شکل جدید در دوره پهلوی اول و در زمان نیابت تولیت محمد ولی خان اسدی تأسیس شد (مؤتمن، ۴۰۹).

وی با اختصاص مکانی برای این منظور، کارکنان و تجهیزات مورد نیاز آن را فراهم آورد (همو، همان‌جا) و با صدور اعلانی افتتاح رسمی پرورشگاه را در ۳۰ فروردین ۱۳۰۷ اعلام کرد (سازمان کتابخانه‌ها، سند ۴۵۱۵۲/۱۸۴). بدین ترتیب امکان نگهداری ۲۶ کودک، با شرایط پذیرش داشتن سن کمتر از یک ماه، احراز سلامت و بی‌سرپرست بودن مهیا شد (سازمان کتابخانه‌ها...، سند ۴۵۱۵۳/۲۴۴).

تعداد کارکنان این مرکز در ۲۴ مهرماه ۱۳۰۷، هفده تن ثبت شده که شامل مدیر، معاون، سرپرستار، دایه، باغبان، سرایدار، خدمتکار، اطوکش و نه پرستار بوده‌است (سازمان کتابخانه‌ها...، سند ۴۵۱۷۲/۲۴).

ساختمان پرورشگاه در دوران فعالیت خود چندین بار جابه‌جا گردید. محل اولیه آن در حوالی خیابان فردوس بود (سازمان کتابخانه‌ها...، سند ۴۵۱۵۲/۱۸۴) و بعد از افتتاح بیمارستان شاهرضا (۱۳۱۳ ش) به این مکان انتقال یافت (مؤتمن، ۴۰۹). سپس در زمان نیابت تولیت فتح‌الله پاکروان (۱۳۱۴-۱۳۲۰) به جنب دارالتربیه شاهپور در خیابان نخریسی (محل بیمارستان امدادی کنونی) منتقل و مقرر

گردید در صورت توسعه ساختمان جدید، ظرفیت آن تا پذیرش ۲۰۰ کودک افزایش یابد (سازمان کتابخانه‌ها...، سند، ۵۳۳۰۰)، اما چند سال بعد محل آن به عمارت استخر کوهسنگی انتقال یافت. در این زمان ۸۴ کودک بی‌سرپرست به صورت شبانه‌روزی در آن‌جا نگهداری می‌شد (ریاضی، ۱۶۹؛ مؤتمن، ۴۰۹).

این پرورشگاه تا پایان دوران نیابت محمد مهران (۱۳۴۰) زیر نظر آستان قدس اداره می‌شد، ولی در زمان نیابت سپهبد امیر عزیزی (۱۳۴۲-۱۳۴۴) به جمعیت شیر و خورشید سرخ خراسان واگذار گردید (سازمان کتابخانه‌ها...، سند ۴۹۲۴/۲۱) و در عوض، آستان قدس سالانه مبلغ پنجاه هزار تومان برای کمک به این مؤسسه پرداخت می‌کرد (مؤتمن، ۴۱۰).

منابع: ریاضی، غلام‌رضا، راهنمای مشهد، کتابفروشی زوار، مشهد، ۱۳۳۴ش؛ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، اسناد شم ۴۵۱۸۲/۱۸۴، ۴۵۱۵۳/۲۴۴، ۴۵۱۵۴/۲۸۸، ۴۵۱۷۲/۲۴، ۴۹۲۴/۲۱، ۵۳۳۰۰؛ مؤتمن، علی، راهنما یا تاریخ آستان قدس، آستان قدس، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ مولوی، عبدالحمید، «آستان قدس رضوی»، دانشنامه

ایران و اسلام، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۴ش.

/محمد فرحزاد/

در چوبی گره‌بندی، از شاهکارهای مثبت ایرانی در دوره صفوی. این در با ابعاد ۲۵۱×۲۰۰ سانتی‌متر از چوب شمشاد، به اتمام شمس‌الدین‌الحسینی‌التونی و به دست خواجه احمد، استاد کمال‌الدین کربلایی، استاد احمد کربلایی، استاد شمس و استاد محمد شاه‌حسین در میانه قرن دهم هجری ساخته شده و با خط ثلث محمد بن عبدالخالق‌القادری‌القرائی و خواجه احمد سیستانی تزئین یافته است (اعتمادالسلطنه، ۳۶۶/۲).

روی در با تلفیقی از قاب‌های گره‌بندی و کتیبه‌های مثبت‌کاری شامل ۴۰ آیه مبارکه، چندین حدیث، القاب و کتیبه‌های ائمه معصومین (ع)، اشعار معروف دعبل خزاعی و نام سازندگان، خطاطان، واقف و بانی، تزئین شده است (خوشدل، ۶۳؛ خجسته‌مبشری، ۱۹۴). کلاف‌کشی قاب‌های گره‌بندی به شکل لوزی و مثلث انجام شده و درهم‌آمیختگی قطعات چوب به روش کام و زبانه، شمشه‌ها را به‌وجود آورده است. تزئینات «موردی» در مرکز این شمشه‌ها

درخشش شعاع‌های نور را القا می‌کند و حاشیه‌های زیبای زواربندی «قاتلی» بر روی آلات گره، انعکاس آرام‌بخش نور را نشان می‌دهد (ولف، ۵۸).

این در که ابتدا در محل صفا شاه‌طهماسبی، بین رواق پشت سر مبارک و توحیدخانه نصب بود (مؤتمن، ۱۳۷)، در زمان محمدرولی‌خان اسدی به خزانه منتقل شد. از سال ۱۳۱۶ در موزه آستان قدس به معرض نمایش درآمد (خوشدل، ۶۳) و در سال ۱۳۵۶ با احداث ساختمان جدید موزه، به این مکان انتقال یافت.

منابع: اعتمادالسلطنه، محمدحسن، مطلع‌الشمس، به کوشش تیمور برهان لیموده‌ی، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۲ش؛ خجسته‌مبشری، تاریخ مشهد، چاپخانه خراسان، مشهد، ۱۳۵۳ش؛ خوشدل، علی، «موزه آستان قدس»، نامه آستان قدس، ش. ۹، ۱۳۴۰ش؛ کفیلی، حشمت، پیمایش، ۱۳۸۴ش؛ مؤتمن، علی، تاریخ آستان‌قدس، آستان‌قدس، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ ولف، هانس‌لی، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.

/ حشمت کفیلی /

محراب پیش روی مبارک، این محراب در گذشته بر دیوار جنوب غربی روضه منوره و پیش روی مبارک نصب بوده‌است و اکنون در موزه تاریخ مشهد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. ساخت محراب در سال ۱۲۶۱ق به دستور «عبدالعزیز بن آدم قمی» و با همکاری ابوزید نقاش و محمد بن ابی‌طاهر کاشی، هنرمند خاندان ابوطاهر کاشانی به انجام رسید (قوچانی، ۲۰؛ کاشانی، ۳۳۸).

این محراب با ۲/۶۰ متر ارتفاع و ۲/۱۵ متر عرض به روش قالب‌ریزی شکل گرفته و سطح آن را قاب‌های مکتوب به کتیبه‌ها و نقوش به اسلیمی‌ها و ستون‌نماها و طاق‌نماها، سایه روشن و چشم‌نواز کرده است.

نقوش اسلیمی به صورت برجسته تقریباً تمامی رویه محراب را پر کرده و ستون‌نماها بخش‌های میانی محراب را از قسمت‌های دیگر جدا کرده است که در ترکیب کلی نمای ورودی یک بنای متبرک اسلامی را به بیننده القا می‌کند. نمایش نمادین ستون‌ها و طاق‌های مضرس (دندان‌دار) و جناقی و قاب‌بندی رویه محراب که ضمن انفکاک کتیبه‌ها، حاشیه آنها را نیز زینت داده است، معماری زیبایی بنا را عرضه می‌کند.

سطح محراب، بیشتر با کتیبه‌ها پوشانده شده که به دو بخش اصلی و فرعی تقسیم می‌شود (مؤتمن، ۵۱ و ۵۰؛ کفیلی).

کتیبه‌های اصلی جنبه تزئینی دارد و سطح وسیع‌تری از رویه محراب را به خود اختصاص داده است. این کتیبه‌ها به صورت برجسته و در ابعاد متفاوت در قاب‌هایی به موازات یکدیگر به خط کوفی، ثلث و نسخ نوشته شده و مضمون آنها آیات قرآن کریم، احادیث و ادعیه است. تاریخ ساخت محراب در کتیبه حاشیه تحتانی، در فاصله دو پایه ستون‌نما، با عبارت «فی ربیع الآخر سنة اثناعشر و ستمائه» آمده است. این کتیبه به صورت افقی و به خط نسخ و به شکل برجسته نوشته شده است. تناسب ابعاد حروف و جایگاه کتیبه‌ها، منظری زیبا و موزون به محراب داده است. بیشتر کتیبه‌های اصلی، لاجوردی‌رنگ و برخی به رنگ سفید با زمینه زرین و قهوه‌ای است.

کتیبه‌های فرعی در حواشی و محل‌های خالی نوشته شده، به نحوی که گویی بعد از قالب‌ریزی و پرداخت محراب بر شمار کتیبه‌های اصلی افزوده گردیده است. این کتیبه‌ها عموماً به خط نسخ است که در سه کتیبه نام سازنده و اهتمام‌کنندگان محراب آمده است.

نخست، کتیبه‌ای در اسپر فرورفتگی میانی و بر فراز کوچک‌ترین نمای ورودی محراب، در قابی مستطیل به شکل افقی و به خط نسخ بسیار ریز با عبارت «اللهم اغفر لمن استغفر لابی زید محمد بن ابی‌زید النقاش». دوم، کتیبه‌ای بر انتهای قاب دوم، در قابی ماکویی شکل و در سه سطر به خط نسخ، با عبارت «اضعف عبدالله محمد بن ابی‌طاهر بن ابی‌الحسین بن زید، بخره بعد ما عمله و صنعہ، غفرالله له و لجمیع المومنین و المومنات بمحمد و عترته الطاهرین» که نام سازنده محراب در آن درج است.

سوم، کتیبه‌ای در بخش انتهایی قاب اول، در قالبی مستطیل شکل و به طور عمودی بر منتهی‌الیه سمت چپ محراب که به فارسی و خط نسخ نوشته شده و طولانی‌ترین آنهاست. مضمون کتیبه استدعای عبدالعزیز بن آدم، ساعی و سفارش‌دهنده این محراب و کاشی‌های حرم مطهر در سال ۶۱۲ق است (قوچانی، ۲۰) که متن آن چنین است: «خداوندا بحق این امام پاک معصوم بر آن بنده رحمت کن که یک‌بار سوره فاتحة‌الکتاب بخواند از بهر این ضعیف عبدالعزیز بن آدم و بگویند که خداوندا گناهانش عفو کن و بر وی رحمت کن بفضلک و کرمک و رحمتک».

منابع: قوچانی، عبدالله، اشعار فارسی کاشی‌های
تخت سلیمان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران،
۱۳۷۱ش؛ کاشانی، ابوالقاسم، عرایس الجواهر و
نفایس الاطایب، به کوشش ایرج افشار، انجمن
آثار ملی، تهران، ۱۳۴۵ش؛ کفیلی، حشمت،
شناسنامه محراب کاشی زرین‌فام، آرشیو اطلاعات

اشیاء موزه‌ای، اداره پژوهش و معرفی معاونت
موزه‌های آستان قدس رضوی، مشهد،
۱۳۸۲ش؛ مؤتمن، علی، تاریخ آستان قدس،
انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد،
۱۳۵۵ش.

/رجبعلی لباف خانیکی /

قال علیؑ :

علیکم بالدرایاتِ لا بالروایاتِ

بر شما باد به فهمیدن، نه نقل کردن

(میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۳۵)